



Conceptology and case study of Fitna with emphasis on verse 25 of Surah Anfal

Mohammad Javad Khaniki Tavakoli^{a*}, Akram Sadeghzadeh

^a Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Education, University of Mashhad, Faculty of Quranic Sciences, Mashhad, Iran, tavakoli@quran.ac.ir

^b Master's degree in Qur'anic interpretation and sciences, University Mashhad, Mashhad, Iran

KEYWORDS

Sedition, 25 Anfal,
Tafsir Fariqin,
Examples of Sedition

Received: 20 July 2022,
Accepted: 20 September 2022

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.28212754.1401.1.1.3.9

ABSTRACT

Understanding some verses of Quran is sometimes difficult due to the existence of lexical whose conceptual circle is widespread. Verse 25 of *Anfal Sura* is also one of these verses that various interpretations have been expressed around it. The beginning of verse «*And fear an affliction*¹» and also «*which may not smite those of you in particular who are unjust*²» contain ambiguities that have drawn the attention of commentators. This research has been organized with the aim of clarifying the meaning of the verse and investigating the existing ambiguities with regard to the interpretation opinions of the parties³ in a descriptive-analytical way. Studies show that: sedition has a common semantic concept and a set of examples, which is under the general meaning of it. The meaning of sedition is to put gold under the pressure of fire to purify and separate the purity from the impurity, so any kind of pressure and intensity like a test, affliction, and difficulty is sedition. sedition in this verse means a calamity and a test that is all-encompassing and will affect two groups of believers and non-believers in the society. Emphasizing the silence and passive role of the believers in dealing with the problems and oppressions that exist in the society, this verse warns them against the sedition that will befall them. The way out of this sedition is to promote virtue and prevent vice, which is a sign of the sensitivity of the people of the Islamic society to preserve the divine limits. The last part of the verse emphasizes the severe punishment of God and creates the necessary motivation in the audience to play an active role in society in order to stay away from sedition.

¹ «وَاتَّقُوا فِتْنَةً»

² «لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً»

³ The parties mean two sides and two groups. In Muslim books, it is used to refer to the two main religions of Islam, Shia and Sunni.

* Corresponding author.

E-mail address: tavakoli@quran.ac.ir

©Author





مفهوم‌شناسی و مصداق‌شناسی فتنه با تأکید بر آیه ۲۵ سوره انفال

محمد جواد خانیکی توکلی^{الف*}، اکرم صادق‌زاده^ب

^{الف} استادیار، گروه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی، دانشگاه مشهد، مشهد، ایران، tavakoli@quran.ac.ir

^ب کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآنی، دانشگاه مشهد، مشهد، ایران

چکیده	واژگان کلیدی
فهم برخی از آیات قرآن به واسطه وجود واژگانی که دایره مفهومی و مصداقی آن گسترده است، گاه مشکل می‌نماید. آیه ۲۵ سوره انفال نیز از این دست آیات است که نظرات گوناگون تفسیری پیرامون آن بیان شده است. فراز ابتدایی آیه «وَاتَّقُوا فِتْنَةً» و نیز «لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً»، مشتمل بر ابهام‌هایی است که مورد توجه مفسران قرار گرفته است. این پژوهش با هدف روشن کردن معنای آیه و بررسی ابهامات موجود با عنایت به آرای تفسیری فریقین به روش توصیفی-تحلیلی، سامان یافته است. بررسی‌ها نشان‌گر آن است که: فتنه دارای مفهوم مشترک معنایی و مجموعه مصداقی است. که ذیل معنای کلی فتنه است. معنی فتنه قرار دادن طلا در زیر فشار آتش برای خالص کردن و تفکیک سره از ناسره است، پس هر نوع فشار و شدت مانند امتحان، ابتلا، و سختی فتنه است. فتنه در این آیه به معنای بلا و امتحانی است که حیطه آن فراگیر است و دو گروه مؤمنان و غیر مؤمنان از جامعه را گرفتار خواهد نمود. این آیه با تأکید بر سکوت و نقش منفعلانه مؤمنان در برخورد با مشکلات و ظلم‌هایی که در جامعه وجود دارد، آنان را از فتنه‌ای که گریبان‌گیرشان خواهد شد، برحذر می‌دارد. راه برون رفت از این فتنه امر به معروف و نهی از منکر است که نشانه حساس بودن افراد جامعه اسلامی به حفظ حدود الهی است. فراز انتهایی آیه نیز با تأکید بر شدید العقاب بودن خداوند، انگیزش لازم برای ایفای نقش فعال در جامعه به جهت دور ماندن از فتنه را در مخاطب ایجاد می‌نماید.	فتنه، ۲۵ انفال، تفاسیر فریقین، مصداقی فتنه تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ مقاله علمی پژوهشی

۱. بیان مسئله

واژه «فتنه» عموماً تداعی‌گر سلسله تدابیر و اقداماتی است که به منظور ایجاد تفرقه و نفاق میان دو فرد و یا اجتماع انجام می‌شود. براین اساس می‌توان، اقدامات داخلی و خارجی در جهت به هم زدن وحدت دینی و ملی افراد جامعه را که نهایتاً به آشوب و تخریب می‌انجامد، «فتنه» نامید. با این که مسأله ظهور اختلاف در آراء و عقائد، امری ضروری است و جلوگیری از آن ممکن نیست، چون درک و فهم افراد مختلف است. به همین جهت، قرآن کریم بر دعوت به اتحاد بسیار تأکید نموده و نهی از اختلاف را به نهایت رسانده است. قرآن اختلاف این امت را مانند امت‌های قبل پیش‌گویی کرده و بر آن تأکید کرده و بر اجتناب از تفرقه و نفاق، اصرار ورزیده است. وقوع اختلاف در امت اسلام را رسول خدا (ص) هم خبر داد و فرمود: «قوم یهود بعد از موسی علیه السلام ۷۱ فرقه شدند و مسیحیان ۷۲ فرقه و امت من بعد از

من ۷۳ فرقه خواهد شد» (طبرسی، ۱۴۰۶، ۱۳۹۲-۱۳۹۱/۱؛ عیاشی، ۱۴۱۲، ۱۳۳۱/۱؛ سیوطی، ۱۳۶۵، ۱۳۶۲/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۴۰۸/۱۰). حوادث و جریانات پس از پیامبر (ص) نیز این پیش‌گویی قرآن و پیامبر اکرم (ص) را تصدیق کرد. چیزی از رحلت رسول خدا (ص) نگذشت که امت اسلام قطعه قطعه شد و به مذاهبی گوناگون منشعب گشت. هر مذهب صاحب مذهب دیگر را تکفیر کرد و این بدبختی از زمان صحابه آن حضرت تا امروز ادامه دارد و هر زمانی که شخصی خیرخواه برخاست تا اختلاف بین این مذاهب را از بین ببرد، به جای از بین بردن اختلاف، مذهب دیگری به وجود آمد. از این رو پرداختن به مفهوم «فتنه» و مصداق‌شناسی آن می‌تواند آغاز راهی باشد برای جریان‌شناسی فتنه و دور ماندن از تأثیرات مخربی که فتنه‌گران در جامعه اسلامی به وجود می‌آورند. برای رسیدن به این منظور آیه ۲۵ سوره انفال را که محل بروز آرا و نظرات گوناگون تفسیری است، مورد بازخوانی و واکاوی قرار می‌دهیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که مفسران فریقین در برخورد با آیه «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» چه نظراتی را مطرح کرده‌اند و با بررسی روایات مطرح شده ذیل این آیه فتنه در آیه مورد بحث چه مفهوم و مصداقی را شامل می‌شود. علاوه بر تفاسیری که به آیه مورد نظر پرداخته‌اند مقالاتی چون «روش فریقین در تفسیر آیه ۲۵ سوره انفال»، «معناشناسی واژه فتنه در قرآن و نقش اسمای الهی در آن»، «افشای طرح‌های ایجاد فتنه در قرآن کریم» و «رسم شبکه معنایی واژه فتنه و مترادفات آن در قرآن» می‌توانند به‌عنوان پیشینه مسیر پژوهش را هموارتر نمایند.

۲. مفهوم‌شناسی فتنه

«فتنه» در اصل از «فَتَنَ» (بر وزن مَتَن) گرفته شده که به معنای احتراق شیء است (فراهیدی، ۱۴۱۴، ۱۳۷۱/۳) و به معنی داخل کردن و گداختن طلا در آتش است تا خالص از ناخالص و خوب از بدش آشکار شود و در قرآن برای دخول در آتش هم این واژه استعاره شده است؛ «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ - ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ» (ذاریات: ۱۳ و ۱۴) یعنی عذابتان را بچشید. واژه فِتْنَةٌ مثل واژه بلاء است و هر دو واژه، هم در سختی و هم در آسایشی که انسان از آن‌ها ناگزیر است به کار می‌روند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۲). از این رو «أَنْ يَفْتِنَ اللَّهُ قَوْمًا» به معنای «بیتلیهم» است (فراهیدی، ۱۴۱۴، ۱۳۷۱/۳). واژه امتحان نیز در معنای آن به کار می‌رود؛ «فَتِنْتُ الذَّهَبَ بِالنَّارِ؛ إِذَا امْتَحَنَتْهُ» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴۷۲/۴). فتنه در معنای حرب نیز به کار رفته است (زمخشری، ۱۹۷۹، ۴۶۳؛ ابن منظور، ۱۴۰۸، ۳۱۹/۱۳). فتنه هم به خدا نسبت داده شده و هم به دیگران. هر آن‌جا که درباره بشر آمده مراد فتنه‌ی مذموم و آزمایش ناهنجار است و برخلاف این، فتنه آزمایش خداست که شامل تکالیف الهی و پیش آمدهای روزگار است و به وسیله‌ی آن‌ها خوب و بد از هم جدا می‌شوند» (قرشی، ۱۳۷۲، ۱۵۱-۱۵۰/۵). نگاه مفسرین هم به معنای واژه فتنه از حد معانی لغویین فراتر نرفته است. برای مثال آلوسی در روح المعانی همان گذاشتن طلا در آتش برای خالص شدن از ناخالصی‌ها را ترجیح داده (آلوسی، ۱۴۱۵، ۶۵/۲). و روض الجنان معتقد است «اصل فتنه امتحان باشد و آزمایش و آن بلیت [بلاهایی] که باطن آدمی به آن پیدا شود را فتنه خوانده و خصلتی و حالتی که به پدید آمدن آن، مردمان به یک‌دیگر ظلم کنند» (رازی، ۱۴۰۸، ۹۴/۹). این دو معنی از معانی برجسته و پربسامد این واژه در تفاسیر است. به این صورت که این کلمه در اصل به معنای داخل کردن طلا در کوره برای تفکیک خوبی از بدی است. سپس به معنای آزمایش‌ها که نشان دهنده

چگونگی صفات باطنی انسان‌هاست به کار رفته است؛ لذا در مورد بلاها و مجازات‌ها که باعث تصفیه روح انسان و یا تخفیف گناه اوست به کار می‌رود. معنای لغوی این واژه دارای لوازمی است که آرام آرام به یکی از معانی این واژه هم تبدیل شده است. لازمه در آتش قرار گرفتن انسان این است که انسان به حالت اضطراب می‌افتد، سپس این اضطراب از اضطراب بدنی و جسمی توسعه می‌یابد و اضطراب‌های روحی و روانی را نیز دربرمی‌گیرد. به همین دلیل، به اضطراب‌ها و این نوع تزلزل‌های درونی، باطنی و روحی که در حوزه باورهای دینی و نظام ارزشی فرد پیدا می‌شود، نیز «فتنه» گفته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۱۰۱-۱۰۳). برخی از مفسران و واژه‌پژوهان معاصر، در معنای فتنه می‌نویسند: «آنچه موجب اختلال و اضطراب گردد، «فتنه» نامیده می‌شود که دارای مصادیقی است؛ همانند اموال، اولاد، اختلاف در دیدگاه، عذاب و...» (ابن عاشور، بی تا، ۷۱/۹؛ مصطفوی، ۱۳۷۴، ۲۴) این برداشت به نوعی تجمیع همه معانی است. زیرا ظاهر این است که تمام این معانی به همان ریشه اصلی که در معنی فتنه گفته شد باز می‌گردد (همان‌گونه که غالب الفاظ مشترک چنین حالی را دارند) زیرا با توجه به این که معنی اصلی قرار دادن طلا در زیر فشار آتش برای خالص سازی، یا جدا کردن سره از ناسره است، در هر مورد که نوعی فشار و شدت وجود داشته باشد این واژه به کار می‌رود، مانند امتحان که معمولاً با فشار و مشکلات همراه است، و عذاب که نوع دیگری از شدت و فشار است، و فریب و نیرنگ که تحت فشارها انجام می‌گیرد و هم چنین شرک یا ایجاد مانع در راه هدایت خلق که تضمن نوعی فشار و شدت است.

۱/۲. واژه فتنه در قرآن کریم

در قرآن معانی گوناگونی برای فتنه آمده است مانند آزمایش، شور و شر، شرک، کفر، بزه، عذاب کردن، کشتن، سوختن، برگردانیدن، گم راه شدن، دیوانه شدن، لغزیدن، عبرت، عذر و خواسته و فرزند. برخی از این آیات عبارتند از: به معنی آزمایش و امتحان است؛ مانند «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت: ۲)؛ آیا مردم گمان کرده‌اند، همین که بگویند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و آنان [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟

به معنی فریب دادن؛ چنان که می‌فرماید «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ» (اعراف: ۲۷)؛ ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبد.

به معنی بلا و عذاب آمده است؛ مانند «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ - ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ» (ذاریات: ۱۳ و ۱۴)؛ آن روز که آن‌ها بر آتش، عذاب می‌شوند و به آن‌ها گفته می‌شود بچشید عذاب خود را».

به معنی گمراهی آمده؛ مانند «وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً» (مائده: ۴۱)؛ کسی که خدا گمراهی او را بخواهد (و از او سلب توفیق کند) هیچ قدرتی برای نجات او، در برابر خداوند نخواهی داشت.

به معنی شرک و بت پرستی یا سد راه ایمان آورندگان؛ مانند آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (بقره: ۱۹۳)؛ با آن‌ها پیکار کنید تا شرک از میان برود، و دین مخصوص خدای یگانه باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۸۵).

از جمله آیاتی که این واژه در آن ذکر شده آیه ۲۵ سوره انفال است؛ «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» که به بررسی آن می‌پردازیم.

۳. فتنه در آیه ۲۵ سوره انفال

سوره انفال که در مدینه و سال دوم هجری پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر نازل شد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹/۴) و دارای اهدافی چون بازسازی اخلاقی مسلمانان و سامان دادن و نظام بخشیدن به جامعه‌ی نوین مسلمانان در مدینه است. نخستین بار خدای سبحان از وقوع فتنه‌های اجتماعی در جامعه اسلامی خبر داده و با هشدار نسبت به پی‌آمدهای آن از فروافتادن در آتش فتنه‌ها تحذیر داده است. شناخت حقیقت فتنه‌ای که خدا و رسولش و جانشینان به حق رسول خدا از وقوع آن زنهار داده‌اند، در جستن راه کار برون رفت از فتنه‌ها بسیار ضروری است؛ زیرا فتنه‌گران، فضا را برای افکار عمومی مسلمانان تاریک نموده و از جهل و بی‌خبری آنان به سود خویش بهره‌جسته و کار خویش را کاملاً مشروع جلوه داده و بلکه بر وجوب آن پا می‌فشارند. با تأمل در آنچه درباره آیه ۲۵ انفال ارائه شده؛ به‌آسانی می‌توان حقیقت فتنه و بازه زمانی آن را یافت و به ریشه‌های فتنه در جهان اسلام آگاه شد. بازشناسی مخاطبان آیه، زمان وقوع فتنه در گفتار صحابه، مقصود از ظلم و ظالمان و گناهای که پی‌آمدهای فراگیر آن شایسته زنهار الهی است، کوشش‌های ما در تفسیر آیه را قرین توفیق خواهد ساخت. روشن است در سیر بازگشت به گذشته، ارزش‌های جاهلی و مادی جایگزین ارزش‌های الهی شدند و سنگ بنای این کار با دگرگونی حقیقت و معیارهای جانشینی پیامبر آغاز شد که با مخالفت با دستور خدا و رسول خدا انجام پذیرفت؛ چنان‌که برخی از مفسران اهل سنت نیز یادآور شده‌اند، پی‌آمدهای ناگوار این فتنه تا به امروز دامن‌گیر جامعه اسلامی شده است.

۱/۳. سیاق آیات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۴) وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۵) وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَخَطَّفَكُمْ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۲۶) در آیه ۲۴ مؤمنین مورد خطاب قرار می‌گیرند به ایشان گفته می‌شود که ای مؤمنین! بخواهید تا پاسخ‌گوی خدا و پیامبر (ص) باشید. سپس در آیه بعد از گرفتاری‌هایی سخن می‌گوید که به مؤمن و فاجر آسیب می‌رساند نه فقط به فجار و فساق. اگر شما «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ» شدید، یعنی پاسخ‌گوی دائم خدا و پیامبر (ص) شده‌اید، خودبه‌خود دوری و پرهیز از فتنه نصیبتان می‌شود، اما اگر مادام پاسخ‌گوی به خدا و پیامبر (ص) نباشید، در معرض وقوع فتنه‌ها قرار خواهید گرفت. در آیه ۲۴ خدا مؤمنان را برحذر می‌دارد که «ای مؤمنین! آگاه باشید از آنچه در دل‌های شما می‌گذرد، خدا آگاه از قلوب شماست و در این آیه یادآوری می‌کند که ای مؤمنین از فتنه‌ها پرهیزید.» در این آیات ابتدا سخن از اجابت دعوت خدا و رسول است که مایه حیات است و آیات بعدی از نعمت یاری مهاجران و پناه دادن و امنیت‌بخشی به آنان سخن به میان آمده است. سپس مؤمنان را از خیانت به خدا و رسول و امانت‌های خویش پرهیز می‌دهد.

۲/۳. قرائن لفظی درون آیه

امام سجاد و امام باقر از ائمه اهل بیت علیهم السّلام و همچنین زید بن ثابت و ربیع بن انس و ابوالعالیه به‌طوری‌که

مجمع البیان نقل کرده آیه را «لتصیین»- با لام و نون تاکید ثقیله- قرائت کرده اند، و بقیه قاریان آن را «لا تصیین»- بالای ناهیه و نون تاکید ثقیله- قرائت نموده اند (طبرسی، ۱۴۰۶، ۳/۱۲۷). بنا بر قرائت زید و قرائت اهل بیت علیهم السلام که آیه را «و اتقوا فتنة لتصیین الذین ظلموا منکم خاصة» قرائت کرده اند لام در «لتصیین» لام قسم و نون آن نون تاکید ثقیله است، و تقدیر آیه این است که: «پرهیزید از فتنه ای که قسم می خورم که خواهد رسید به آن کسانی از شما که ظلم کردند»، و کلمه «خاصه» حال است از ضمیر «تصیین» که به فتنه برمی گردد؛ یعنی فتنه خاص ستمکاران است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶۶-۶۴/۹). حال باید دانست که این ستمکاران چه کسانی هستند.

۳/۳. مصادیق فتنه و اهل فتنه

مفسران، محدثان و شارحان حدیث اهل سنت، غالباً به معنای واژگانی فتنه بسنده کرده و از بیان مصادیق آن خودداری کرده اند و شماری از آنان نیز با تطبیق آیه ۲۵ سوره انفال که بارزترین آیه در هشدار نسبت به فتنه اجتماعی است، بر مواردی چون اصحاب بدر، جنگ های جمل، صفین، نهروان، قتل عثمان و حادثه عاشورا و ... اکتفاء کرده اند.

۱/۳/۳. اهل جمل

«حسن بصری و ابن عباس و سدی و مجاهد گویند: این آیه درباره اهل جمل نازل شده است، قتادة گوید: زیر می گفت، فردی از میان خود را نمی یافتیم که مشمول این آیه واقع شده باشیم و در این باره اختلاف داشتیم تا این که واقعاً مشمول حقیقی این آیه واقع گشتیم» (محقق، ۱۳۸۴، ۳۷۷). اسماعیل بن سری از پیامبر (ص) در مورد کلام خداوند متعال که می فرماید «و اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» نقل می کند که فرمود: «به من خبر دادند که آنان اصحاب جمل هستند» (عیاشی، ۱۳۸۰، ۵۳/۲). اهل جمل ستم آشکار و غیرقابل انکاری را بر امیرالمؤمنین (ع) روا داشتند. تدبیر در خود آیه ما را به این نکته رهنمون می سازد که اولاً مقصود از آن، ظلم است و ثانیاً این ظلم از سوی عده خاصی از مخاطبان آیه سر خواهد زد (ابوزهره، بی تا، ۶/۳۱۰). اما با توجه به بیان «لاتصیین» و کلمه «عذاب» در انتهای آیه روشن می شود که عاملی بسیار مهم تر از اشاره به اصحاب جمل در آیه وجود دارد؛ هر چند آنان بر اساس حدیث پیامبر (ص) شامل عذاب هستند.

۲/۳/۳. عذاب

به باور برخی از جمله «ابن عباس» منظور از آن، عذاب و کیفری است که گریبان بیدادگران را می گیرد؛ چرا که خدا فرمان می دهد که به ضد ارزش ها و گناهان نزدیک نشوید که در این صورت شما را گرفتار عذاب می سازد؛ و این آیه هشدار به یاران پیامبر است. ابن عباس و جبائی گویند: منظور عذاب است. خداوند مؤمنین را دستور می دهد که نزدیک منکرات نشوند، زیرا در این صورت همه آن ها را گرفتار عذاب می کند. حسن گوید: منظور، بلیه ای است که باطن انسان را ظاهر می سازد. وی معتقد است که: این آیه درباره علی و عمار و طلحه و زبیر نازل شده است. از آن چه گذشت، به دست آمد که برخی کوشیده اند تا سبب نزول آیه ۲۵ سوره انفال را بر موارد خاصی چون اصحاب بدر و جمل و مانند این ها محدود نمایند. افزون بر بی پایه بودن آن، با کلیت آیه نیز هم سویی ندارد (طنطاوی، ۱۴۱۲، ۶/۷۷). باید در نظر داشت که این عذاب در پی فتنه ای عظیم ایجاد می شود و نمی تواند آن فتنه خود عذاب باشد.

۳/۳/۳. اختلاف اصحاب

«قرطبی» از «ابن عباس» نقل کرده است که آیه مذکور درباره اصحاب پیامبر (ص) نازل شده است (قرطبی، ۱۴۰۵، ۷/۲۹۱). «فتاده» گفته است: «هنگامی که آیه ۲۵ سوره انفال نازل شد، به خدا قسم خردمندان اصحاب محمد (ص) دریافتند به‌زودی فتنه‌هایی برپا خواهد شد» (سیوطی، ۱۳۶۵، ۳/۱۷۷). آلوسی بیان کرده «اختلاف کلمه، شدیدترین ظلم است به‌ویژه از بزرگانی مثل این‌ها [صحابه]» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۵/۱۸۲). عبدالرحمن بن سالم از امام صادق (ع) درباره‌ی آیه ۲۵ انفال روایت می‌کند که فرمود: «پس از این که خدا پیامبرش (ص) را به‌سوی خود فراخواند، مردم دچار فتنه شدند و علی (ع) را رها کردند و با یک‌دیگر بیعت کردند و آن همان فتنه‌ای بود که به آن مبتلا شدند، درحالی که پیامبر خدا آنان را به پیروی از علی (ع) و اوصیای آل محمد (ع) دستور داده بود (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲/۵۳). تحذیر صحابه به‌این مفهوم است که خود، شاهد چنین فتنه‌ای خواهند بود؛ چنان که عقلای ایشان نیز دریافتند این خطاب، مخصوص اصحاب پیامبر است. اگر چه مخاطبین در ابتدا اصحاب پیامبر هستند اما این آیه شمول عام دارد.

۴/۳/۴. اهل بدر

ابن جریر و ابوالشیخ از سدی ذیل این آیه روایت کرده‌اند که گفت: این آیه تنها در باره اهل بدر نازل شد، ولی در روز جنگ جمل در حق ایشان خارجیت پیدا کرد که به‌جان هم افتاده و از یک‌دیگر کشتند، و در میان کشتگان طلحه و زبیر بود که هر دو از اهل بدر بودند (سیوطی، ۱۳۶۵، ۳/۱۷۷).

۵/۳/۳. ظهور بدعت‌ها

برخی با ژرف‌نگری در سیاق آیات، فتنه را به ظهور بدعت‌ها، اضطراب و اختلال در نظام اجتماعی، احزاب سیاسی و مذهبی، جنگ قدرت و نزاع بر سر حکومت، به دلیل نافرمانی از دستورات خدا و رسول معنا کرده‌اند (مراغی، بی تا، ۹/۱۸۸؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ۹/۲۹۲؛ حجازی، ۱۴۱۳ق، ۱/۸۱۸؛ ابن عاشور، بی تا، ۹/۷۱) شماری از مفسران، فتنه در آیه را به گمراهی، اختلاف و تفرقه و ظهور بدعت‌ها و کشمکش و رویارویی گروهی از مردم با گروه دیگر تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۶، ۴/۸۲۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ۶/۲۸۷؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ۵/۱۶۸۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ۳/۵۵).

۶/۳/۳. اختلاف امت در موضوع حکومت

«ابن عاشور» در تفسیر آیه می‌گوید: «اگر مسلمانان در فرمانبرداری از دستور خدا و رسولش یک‌پارچه و متحد نباشند، میان آنان اختلاف خواهد افتاد و وضعیت‌شان را به پریشانی و اضطراب خواهد کشاند و نظام جامعه‌شان به‌سبب اختلاف در دیدگاه‌ها و نظریات، از هم خواهد گسست و این چیزی است که با لفظ «فتنه» از آن تعبیر شده است و حاصل معنای فتنه به پریشانی اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها و اختلال در حرکت و بروز بیم و هراس و پرهیز و گریز در جان مردم باز می‌گردد» (ابن عاشور، بی تا، ۹/۷۱). «مراغی» در تفسیر فتنه می‌نویسد: «مانند فتنه‌های قومیتی که در میان امت‌ها در نزاع بر سر مصالح عمومی چون فرمانروایی، حکومت، تفرقه در دین و شریعت و انقسام به احزاب سیاسی و دینی و مانند این‌ها از ظهور بدعت‌ها و ... رخ می‌نماید، تحذیر می‌دهد». سپس در ادامه ضمن برشمردن

فتنه‌هایی که در جهان اسلام پدید آمدند، می‌گوید: «بزرگ‌ترین فتنه، فتنه خلافت و فرمانروایی و فتنه آراء و مذاهب دینی و سیاسی بود که در قرن اول هجری در میان مسلمانان پایه‌گذاری شد و در نسل‌های بعدی با امتزاج فتنه مذاهب با فتنه سیاسی بر سر خلافت و حکمرانی تداوم یافت» (مراغی، بی تا، ۱۹۰-۱۸۸ / ۹؛ حجازی، ۱۴۱۳، ۱۸۱۸ / ۱؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ۲۹۲ / ۹) سید قطب عقیده دارد که «باید کسانی که به مخالفت با رسول برمی‌خیزند، بر حذر باشند از فتنه‌ای که در آن، اندازه‌ها دگرگون شود، میزان‌ها و معیارها پریشان گردد، نظام جامعه در هم شکند و در نتیجه آن، حق و باطل به هم آمیزند و پاکی و پلیدی درهم فرو ریزند و کارهای انسان‌ها و زندگی آنان به تباهی کشد. پس هیچ کس بر جان خویش ایمن نباشد و بر حدود خویش واقف نگردد و در آن خیر و نیکویی از هم متمایز نشود و ... و این هنگامه‌ای دشوار برای همگان است» (سید قطب، ۱۴۰۰، ۵۳۵ / ۴). تدبیر در آیه شریفه مذکور ما را به این نکته رهنمون می‌کند که ظلم ستمگران، سرآغاز فتنه بوده و کوتاهی سایر امت در نهی ظالمان، فراگیری آن را سبب خواهد شد. و به‌طور مشخص می‌توان گفت مقصود از فتنه در آیه یادشده اختلاف امت در موضوع حکومت است که به‌عموم امت مربوط می‌شود، ولی شماری از مسلمانان، به ناحق و از روی ظلم، زمام امور را به‌دست گرفته و احکام قطعی کتاب و سنت درباره حکومت را پایمال کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۵۱ / ۹). اختلاف داخلی بین امت، فتنه‌ای است که دامنه آن همه را (ظالمان و غیرظالمان) فرا می‌گیرد به‌همین جهت، خداوند در قرآن نسبت به آن بسیار جدی هشدار می‌دهد و این تحذیر تمامی مسلمانان از سهل‌انگاری در امر اختلافات داخلی خواهد بود (حکیمی، ۱۳۸۱، ۴۱۰ / ۱). پیامبر (ص) به ابن مسعود فرمود: ای ابن مسعود! این آیه نازل شده است و من آن را به‌عنوان امانت پیش تو می‌سپارم و ظالمان مخصوص را برای تو بر می‌شمارم. پس آنچه را به‌تو می‌گویم خوب درک کن و آن را از جانب من ادا کن. هرکه به علی (ع) ظلم کند و جایگاهم را از او سلب کند، مانند کسی است که نبوت من و نبوت پیامبران قبل از من را انکار کرده باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۲۳ / ۳۶). در روایات و تفاسیر به‌وضوح سخنی در مورد محل اختلاف نیامده است؛ ولی به‌صورت پوشیده بیان شده یعنی اولین جایی که باعث اختلاف بین مسلمانان گردید همان مسئله سقیفه و تعیین جانشینی پیامبر (ص) بود. در صورتی که قبلاً مسئله غدیر به‌وضوح و با سند بیان شده بود و نبی اکرم (ص) تکلیف آینده اسلام و مسلمین را مشخص کرده بودند.

۴. جمع‌بندی آرای روایی و تفسیری

در آیه مورد بحث فتنه به‌معنای بلاها و مصائب اجتماعی است که دامن همه را می‌گیرد و به‌اصطلاح خشک و تر در آن می‌سوزند. در حقیقت خاصیت حوادث اجتماعی چنین است هنگامی که جامعه در اداء رسالت خود کوتاهی کند و بر اثر آن قانون‌شکنی‌ها و هرج و مرج‌ها و ناامنی‌ها و مانند آن به‌بار آید نیکان و بدان در آتش آن می‌سوزند و این خطاری است که خداوند در این آیه به همه جوامع اسلامی می‌کند و مفهوم آن این است که افراد جامعه نه تنها موظفند وظایف خود را انجام دهند بلکه موظفند دیگران را هم به انجام وظیفه وادارند زیرا اختلاف و پراکندگی و ناهماهنگی در مسائل اجتماعی موجب شکست برنامه‌ها خواهد شد و دود آن در چشم همه می‌رود. پس نیکان جامعه وظیفه دارند که در برابر بدان سکوت نکنند اگر سکوت کنند در سرنوشت آن‌ها نزد خداوند سهیم و شریک خواهند بود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ۱۳۱-۱۳۰ / ۷). باید در نظر داشت که دلیلی که دلالت کند بر این که «عقاب» در جمله «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» مختص به عقاب دنیوی از قبیل اختلافات قومی و شیوع قتل و فساد و از میان

رفتن امنیت و آسایش باشد، در دست نیست. قرآن می‌خواهد همه مؤمنان را از فتنه‌ای که مخصوص به ستمکاران آن‌هاست و مربوط به کفار و مشرکان نیست، هشدار دهد، و اگر خطاب را متوجه به همه مؤمنین کرده با این که مختص به ستمکاران از مؤمنین است، برای این است که آثار سوء آن فتنه، گریبان‌گیر همه می‌شود و بر اثر اختلاف، همه دچار بلا و تلخ‌کامی می‌شوند، و همه در پیشگاه خدای تعالی مسؤول می‌گردند و خدا شدید العقاب است. نظیر این فتنه در فتنه‌های واقع شده در صدر اسلام دیده می‌شود، به‌طوری که آیه شریفه کاملاً و آشکارا بر آن فتنه‌ها منطبق می‌گردد، چون فتنه‌های مزبور وحدت دینی اسلام را منهدم نمود و خون‌هایی به ناحق ریخت و باعث اسارت و غارت و هتک نوامیس و حرمت‌ها گردید و کتاب و سنت متروک شد و از جمله مفساد شوم این فتنه این است که امت اسلام حتی بعد از آن که به اشتباهات و اعمال زشت خود تنبه پیدا کند، نمی‌تواند از آن عذاب دردناکی که این فتنه به‌بار آورده، خود را نجات دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶۴-۶۵/۹). اختلاف داخلی بین امت، فتنه‌ای است که دامنه آن همه را فرا می‌گیرد به‌همین جهت، خداوند در قرآن نسبت به آن بسیار جدی هشدار می‌دهد و این تحذیر تمامی مسلمانان از سهل‌انگاری در امر اختلافات داخلی خواهد بود تا از عذابی که نتیجه گناه، فساد، نزاع، اختلاف و ترک امر به معروف و نهی از منکر است بپرهیزند. عذابی که فقط شامل ستمکاران نیست بلکه وقتی نازل شود، همه را فرا می‌گیرد، ستمکاران را به‌خاطر ستم و اهل ایمان را به‌سبب اختلاف و نزاع و ترک امر به معروف و نهی از منکر. پس «اختلافات داخلی»، فتنه‌ای است که تمامی افراد امت باید در صدد دفع آن برآیند، و با امر به معروف و نهی از منکر، که خدا بر ایشان واجب کرده از شعله ور شدن آتش آن جلوگیری کنند؛ گرچه خدای تعالی این فتنه را به اسم و رسم معرفی نکرده و آن را به طور مجمل ذکر فرموده، ولی جمله بعدی که می‌فرماید: «لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» و هم‌چنین جمله «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» آن را تا اندازه‌ای توضیح داده و می‌رساند که فتنه در اینجا عبارت از این است که بعضی از امت با بعضی دیگر، در امری که تمامی امت حقیقت امر را می‌فهمند که کدام است، اختلاف می‌کنند، ولی یک دسته از قبول آن سرپیچی نموده، آگاهانه به ظلم و منکر اقدام می‌کنند، و آن دسته دیگر هم که حقیقت امر را قبول کرده‌اند، آنان را نهی از منکر نمی‌کنند و در نتیجه آثار سوئش دامن‌گیر همه امت می‌شود.

یک نگاه کوتاه به جوامع اسلامی در عصر ما و شکست‌های پی در پی که در برابر دشمنان دامن‌گیرشان می‌شود و حقیقت و محتوای آیه را مجسم می‌سازد که چگونه این فتنه‌ها دامن کوچک و بزرگ، نیک و بد و عالم و جاهل را فرا گرفته است و این‌ها هم‌چنان ادامه خواهد یافت تا آن زمان که مسلمانان روح اجتماعی پیدا کنند و نظارت همگانی را در جامعه عملاً بپذیرند و دو وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان وظیفه قطعی و تخلف‌ناپذیر عملی گردد البته آن هم نه هر ظلمی، بلکه ظلمی که پی‌آمدهای آن، دامن عموم افراد جامعه را فرا خواهد گرفت. ناگزیر چنین ظلمی باید از قبیل تسلط بر حکومت حقه اسلامی و تلاش برای پایمال نمودن و از بین بردن احکام قطعی کتاب و سنت باشد که در صدر اسلام فتنه‌هایی روی داده که آیه کاملاً و به‌روشنی بر آن‌ها منطبق است؛ زیرا وحدت دینی به‌وسیله این فتنه‌ها از بین رفت و تفرقه و اختلاف آشکار شد و شوکت و قدرت اسلام به‌سبب کشتار، اسارت‌ها، غارت‌ها و هتک حرمت‌ها درهم شکست و کتاب خدا مهجور و سنت پیامبر (ص) متروک ماند و از جمله مفساد شوم این فتنه آن است که مردم پس از آن که از آن آگاهی یافته و متنبه شدند، به‌سبب کردار ناشایست خویش و کوتاهی در فرمان خدا توان خروج از عذاب دردناکی را که فتنه به بار آورده ندارند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۵۲/۹)؛ چنان که تأمل در سیاق آیات نیز ما را در بازبایی این

معنا کمک می کند.

تنبّه و رعایت تقوا اینجا به مناسبت حکم و موضوع این است که آن گروه که در صراط مستقیمند محکم بایستند تا از آن خط اصلی که اهل فتنه انحراف پیدا کردند در این خط گم نشوند و فتنه آنجا نرسد. و وظیفه خودشان را در هر شرائطی برای تبلیغ حقانیت مولی و اعلام مظلومیت مولی و دفاع از ولایت در حد درست و منطقی ادامه بدهد و هرآنچه از دستش می آید در جهت تقویتش کار کند تا فتنه فراگیر نشود ولایت کم رنگ نشود (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۴/۳۲۲). در بین مردم و افرادی که اهل فتنه نیستند ممکن است به خاطر سکوت خود عذاب شوند، چنان که سکوت و ترک امر به معروف و نهی از منکر، باعث فتنه و فراگیرشدن عذاب است.

۵. نتیجه گیری

از نظر معناشناسی فتنه دارای یک مفهوم مشترک معنایی و مجموعه ای از مصادیق است. در واقع این مصادیق در زیر چتر معنای کلی فتنه قرار می گیرند که به آن مشترک معنایی گفته می شود. معنی اصلی فتنه قرار دادن طلا در زیر فشار آتش برای خالص سازی یا جدا کردن سره از ناسره است، در هر مورد که نوعی فشار و شدت وجود داشته باشد، مانند امتحان، ابتلا، شدت و سختی و غیره.

آیه ۲۵ سوره انفال از فتنه ای فراگیر زنهار می دهد که نه از جانب کفار و مشرکان که از درون جامعه اسلامی برخاسته، دامنه آتش افروزی به ستم پیشگان از جامعه اسلامی محدود نبوده و عموم مسلمانان را گرفتار خواهد کرد. از این رو تأکید می شود که همه مسلمانان در جامعه اسلامی مسئول هستند.

راه کار اجتناب از گرفتار آمدن به این فتنه اقامه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است. جامعه ای که در آن امر به معروف و نهی از منکر صورت می گیرد، جامعه زنده و پویایی است که به حفظ حدود الهی حساس است و هر یک از مؤمنان، حافظان حدود الهی هستند.

تذییری که در انتهای آیه آمده است و به شدید العقاب بودن خداوند اشاره می کند، انگیزش لازم را در مخاطبان آیه به وجود می آورد تا به انفعال در جامعه نرسند، چرا که در این صورت فتنه ای گریبان گیر ایشان خواهد شد که فراگیر است.

۶. منابع

- قرآن کریم

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ، بی تا.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مصحح: عبد السلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب لامام العلامة، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۵. ابو زهره، محمد، زهرة التفاسیر، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۶. آلوسی، محمود، روح المعانی، به کوشش عبدالباری، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۷. بیضاوی، ناصر الدین عبدالله، تفسیر بیضاوی (انوار التنزیل)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۸. حجازی، محمد محمود، التفسیر الواضح، بیروت، ناشر دار الجیل، ۱۴۱۳ق.

۹. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر/ثنی عشری، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳.
۱۰. حکیمی، محمد رضا، الحیاه، مترجم: احمد آرام، تهران، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۱. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الالفاظ القرآن، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. زحیلی، وهبه بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج، بیروت، دار الفكر المعاصر، ۱۴۱۱ ق.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغة، بیروت، دار صادر، ۱۹۷۹ م.
۱۵. سید قطب، فی ظلال القرآن، القاهرة، دار الشروق، ۱۴۰۰ ق.
۱۶. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۶۵ ق.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۱۸. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، تهران، انتشارات وزارت ارشاد، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
۱۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آیات القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. طنطاوی، محمد، التفسیر الوسیط، قاهره، دارالمعارف، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الاسلامیه، ۱۳۸۰ ق.
۲۲. فراهیدی، احمد بن خلیل، العین، به کوشش المخزومی و السامرائی، بی‌جا: ناشر دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۲۳. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ یازدهم، ۱۳۷۲.
۲۴. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری، تفسیر قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مصحح: جمعی از نویسندگان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، قم، اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.
۲۷. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، ناشر دارالفکر، بی‌تا.
۲۸. مصباح یزدی، محمد تقی، طوفان فتنه و کشتی بصیرت، تنظیم: غلامعلی عزیزی کیا، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۲۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تنظیم: احمد علی بابایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، از تو سوال می‌کنند، تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب، چاپ دوم، ۱۳۸۷.